

الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر تفسیر قرآن

سید محمد کاظم رجایی*

چکیده

از یک الگوی مطلوب انتظار می‌رود بتواند پدیده‌های پیچیده را در مقیاسی کوچک ساده‌سازی کند. الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم به مجموعه نظام‌مندی از مبانی و زیرساخت‌ها مانند: مالکیت حقیقی خدای متعال بر هستی، جانشینی انسان و امانت بودن مال در دست او؛ اهداف معنویت، عدالت و رشد؛ فروض و راهبردهایی چون عبادت بودن کار، ممنوعیت کنز و اسراف؛ و ساختارها و نهادهایی چون خانواده، دولت و عموم مسلمین گفته می‌شود که در ساختاری منطقی، بر پایه مبانی، اصول و در چارچوب حقوق و اخلاق قرآنی، نقشه جامعی را از مبانی تا تقسیم درآمد و ثروت از مجراهای مختلف در پیکره جامعه از منظر تبیین آیات قرآن کریم ارائه می‌کند. مقاله حاضر با روش استنباط نظریه، در مقام ترسیم این الگو است و مسیر کسب درآمد اولیه، ثانویه و سپس توزیع آن را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

آیات اقتصادی، تفسیر اجتماعی، تکافل اجتماعی، الگوی توزیع درآمد و ثروت.

طرح مسئله

قرآن کریم، هدف از رسالت و بعث پیامبران را اقامه عدل معرفی و می‌فرماید: «همانا فرستادگان خویش را با دلایل روشن و همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.» (حدید / ۲۵) بنا بر فرمایش امام علی علیه السلام، هیچ چیز مانند عدالت، باعث آبادانی کشورها نمی‌شود. (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۶۸۸) در عدل، گشایش است (همان: ۴۸۰) و اجرای عدالت، سبب نزول برکات و بی‌نیازی مردم می‌شود. (همان: ۲۹۷) از طریق اجرای عدالت، خیر فراوان در ابعاد مادی و معنوی در جامعه تعمیم می‌یابد، هزینه‌های تولید، کمتر و خدمات عمومی، عمران و آبادانی شهرها و نواحی، بیشتر می‌شود و در نتیجه، رفاه، امنیت و آسایش افزایش می‌یابد.

در ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری، دیدگاه‌های مربوط به عدالت توزیعی عموماً مبتنی بر قانون طبیعی‌اند که در آن، بازار بهترین توزیع‌کننده امکانات است و معمولاً به دولت حداقلی اکتفا می‌شود. از دیدگاه افراطی و منفی هایک^۱ به عدالت توزیعی تا نظریه جان راولز^۲، همه دیدگاه‌ها، با نگاه‌های متفاوت، به الگوی توزیع درآمد و ثروتی منتهی می‌شوند که به نحوی بر قانون طبیعی، مطلوبیت‌گرایی و آزادی مبتنی هستند و نتیجه آنها دفاع از نظام بازار آزاد و لیبرالیسم غربی است.

در الگوی توزیع درآمد و ثروت نظام سرمایه‌داری، اموال و کالاها مائده‌های آسمانی نیستند که باید عادلانه و منصفانه میان افراد متقاضی تقسیم شوند؛ بلکه به کسانی تعلق دارد که آنها را به دست خویش ساخته‌اند یا از طریق مبادله به دست آورده و یا از طریق منابع طبیعی به صورت اولیه تصاحب کرده‌اند. (ر.ک: واعظی، ۱۳۸۸: ۳۲۸) هیچ یک از این نظریه‌ها مالکیت حقیقی خدای متعال بر تمام آنچه در آسمان و زمین است، جانشینی انسان و امانت بودن اموال در دست او و توزیع تکوینی و تشریحی الهی که اساس توجیه: «از اموال آنان، بخشش خالصانه [و مالیات زکات] را بگیر، که با آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی» (توبه / ۱۰۳) است را بر نمی‌تابند.

پرسش اساسی این است که الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم چه الگویی است؟ آیا این الگو با الگوی برآمده از نظریات عدالت موجود بر پایه اقتصاد سرمایه‌داری همسان است یا متفاوت؟ آیا در این الگو عدالت، رشد و معنویت تعارض دارند یا هماهنگ و هم‌افزا هستند؟

الگو نمایش ساده‌ای از یک سیستم پیچیده است و نمادی از واقعیت است که مهم‌ترین ویژگی‌های دنیای واقعی را به صورتی ساده و کلی بیان می‌کند؛ به تعبیر دقیق‌تر «الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته می‌شود که در یک ساختار منطقی برای توضیح و تفسیر یک

1. Hayek.

2. Jahn Rawls.

سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرایندها و نظریات عرضه می‌گردد». (میرمعزی، ۱۳۸۹) در فرمایش‌های مقام معظم رهبری آمده است مقصود از الگو «نقشه جامع است»، (رهبر معظم انقلاب، ۱۰ / ۹ / ۸۹)؛ نقشه‌ای که همانند یک نقشه هوایی ارتباطات اساسی بین مؤلفه‌ها را نشان داده و تصویر کلان را برای ما روشن سازد.

اگر توزیع را در تعریفی عام فرایند تقسیم درآمد و ثروت؛ اعم از منابع طبیعی و ثروت‌های اولیه و ثروت‌های ثانویه بدانیم الگوی توزیع درآمد و ثروت؛ یعنی مجموعه نظام‌مندی از زیرساخت‌ها، اهداف، راهبردها و نهادها و ساختارهایی که به شکل منطقی شیوه تقسیم منابع را تحلیل و تبیین می‌کند و راهبرد تقسیم عادلانه را ارائه می‌دهد. اگر الگوی توزیع درآمد و ثروت براساس مبانی، اخلاق و معارف اسلامی باشد و با راهبردهای موجود در آموزه‌های اسلامی هماهنگ باشد؛ الگویی اسلامی است.

بنابراین، الگوی قرآنی توزیع، به مجموعه نظام‌مندی از زیرساخت‌ها، اهداف، راهبردها و نهادها و ساختارهایی گفته می‌شود که به شکل منطقی، نقشه جامع و منسجمی را نسبت به توزیع درآمد و ثروت اعم از درآمد و ثروت؛ اولیه و ثانویه، مبتنی بر قرآن کریم ارائه می‌کند.

بر این پایه، می‌توان گفت مؤلفه‌های الگوی توزیع درآمد و ثروت در قرآن عبارتند از: «مبانی قرآنی توزیع درآمد و ثروت» یعنی گزاره‌هایی که نوع نگرش قرآن را نسبت به خدا، جهان، انسان، ارزش‌ها و مال و ثروت با زاویه مربوط به تقسیم و توزیع درآمد و ثروت بیان می‌کند که می‌توان از آنها با عنوان «فلسفه توزیع درآمد و ثروت در قرآن» نیز یاد کرد. «اهداف توزیعی قرآن» که اغراض و مقاصد توزیع درآمد و ثروت را تشکیل می‌دهند. «فروض و راهبردهای توزیع درآمد و ثروت قرآنی»؛ که عبارتند از گزاره‌های هنجاری استنتاج شده از مبانی توزیع و «آموزه‌های قرآنی که چارچوب و قواعد کلان توزیع را تبیین می‌کنند»؛ و «نهادها و ساختار الگوی توزیع» یعنی خانواده، دولت و عموم مسلمین.

برای رسیدن به الگوی توزیع درآمد و ثروت از روش استنباط نظریه (ر.ک: رجایی و خطیبی، ۱۳۹۶ / ۴۶ - ۲۹) استفاده شده است. ابتدا موضوع‌شناسی عمیق صورت گرفت؛ بدین صورت که نظریات مدون و مطرح عدالت توزیعی از افلاطون و ارسطو تا جان رولز و رابرت نوزیک^۱ مورد مطالعه قرار گرفت، خلاصه مبانی این نظریات و متغیرهای موضوع استخراج و اصول و مبانی بر قرآن کریم عرضه شد؛ مبانی و متغیرهای موجود در موضوع از قرآن کریم استخراج و سرانجام

1. Robert Nozick.

راهبردهای مربوطه - بایدها و نبایدها - با روش استنباط نظریه، کشف و عناصر الگو تجمیع و الگو استخراج شد.

پیشینه موضوع

در قرآن کریم، بر عدالت تأکید شده و از آن به عنوان هدف از بعثت نبی مکرم اسلام یاد شده است (شوری / ۱۵)؛ از این روی، مباحث عدالت در میان علمای اسلام، بر مبنای قرآن و سنت شکل گرفته‌اند. از میان اندیشمندان مسلمان، فارابی (۳۳۹ ق) جزو نخستین کسانی است که درباره توزیع منافع و خیرات عمومی در میان اعضای جامعه سخن گفته است. (فارابی، ۱۳۶۴: ۷۳ - ۷۱) بازار مباحث عدالت و توزیع درآمد و ثروت کم و بیش در میان اندیشمندان مسلمان تا دوران معاصر جریان داشته است. در دوران معاصر، سید قطب (۱۹۶۶ م)، علامه طباطبایی (۱۳۶۰)، شهید مطهری و شهید صدر جزء برجسته‌ترین نظریه‌پردازان عدالت هستند.

شهید سید محمدباقر صدر (۱۴۰۰ ق) در دو کتاب ارزشمند *اقتصادنا و الاسلام یقود الحیات*، با بحث توزیع قبل از تولید، توزیع بعد از تولید و توزیع مجدد، گامی اساسی در بحث عدالت توزیعی برداشته و با استفاده از روش ویژه کشفی خود، نظر اسلام درباره توزیع عادلانه منابع طبیعی، ثروت، درآمد و توازن را استخراج و دیدگاه‌هایی بدیع در این حوزه عرضه کرده است. شهید صدر نزدیک به نیمی از کتاب *اقتصادنا* را به بحث توزیع اختصاص داده است. (صدر، ۱۳۹۹: ۷۷۲ - ۴۳۱)

براساس ایده‌های شهید صدر، تحقیقات متعددی انجام گرفته که از جمله پژوهش ارزشمند حسین عبوضلو با عنوان *عدالت و کارایی در تطبیق تا نظام اقتصادی اسلام*، درخور ذکر است. این اثر به لحاظ مبانی اسلامی، بر اندیشه شهید صدر مبتنی است و در آن، معیار کارایی به عنوان یکی از شرایط قوام اقتصادی و ضرورت رعایت حق مال به عنوان ودیعه الهی، از معیارهای عدالت اقتصادی معرفی شده و در سرتاسر تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

سید محمدکاظم رجایی، بخش سوم کتاب *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن*، (۱۳۸۱) آیات اقتصادی مربوط به توزیع را جمع‌آوری، طبقه‌بندی و دلالت آنها بر مدعا را بیان کرده است. همچنین، در کتاب *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، (۱۳۹۴) پس از سیری اجمالی در نظریه‌های عدالت توزیعی، به تبیین مفهوم و معیارهای عدالت پرداخته و سپس وارد بحث توازن شده و سرانجام شاخص‌های موجود سنجش عدالت را مورد بررسی و نقد قرار داده و شاخص‌هایی بر پایه مفهوم، مبانی و معیارهای عدالت اقتصادی در اسلام ارائه کرده است.

سید احسان خاندوزی در بخش دوم کتاب *مدینه عادلّه* (۱۳۹۰) با عنوان «آنچه ما از قرآن می‌فهمیم» تلاش کرده با تمهید مقدماتی، با روش «تدبری» که تقریباً آن را با روش تفسیر قرآن با قرآن علامه طباطبایی در *المیزان* مرادف گرفته است؛ با دو نگرش عام قرآن به عدالت و نگرش جایگاه عدل اقتصادی به شکل خاص مورد بحث قرار داده و تلاش کرده نظریه عدالت اقتصادی در قرآن را استخراج کند. وی چهار دسته حقوق مرتبط با انسان و طبیعت را از قرآن استخراج و به‌عنوان ارکان عدل اقتصادی معرفی می‌کند. عدالت باز توزیعی، عدالت مبادلاتی، عدالت در تولید و عدالت در مصرف؛ و نتیجه می‌گیرد پرهیز از نقض حقوق انسانی بیشتر از حقوق اموال و منابع مورد تأکید قرآن است.

مرتضی صاحب فصول (۱۳۸۲)، فصل سوم کتاب *شکاف طبقاتی، توزیع مجدد ثروت و رهیافت‌های آن*، را به بررسی آیات انفاق، زکات و صدقه اختصاص داده و شیوه نقش آنها در توزیع مجدد را مورد بررسی قرار داده است.

این مقاله به‌طور خاص بر الگو یا نقشه جامع توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم متمرکز است و همین مسئله موجب تفکیک آن از پیشینه موضوع شده است.

زیرساخت

الگوی قرآنی توزیع درآمد بر پایه و زیرساخت مالکیت حقیقی خداوند، اعتباری بودن مالکیت انسان، جانمایی انسان نسبت به خدای متعال، امانی بودن مال در دست او و توزیع تکوینی الهی استوار است. در الگوی مبتنی بر مالکیت حقیقی خداوند؛ فرمان الهی نسبت به: وجود حق فقرا در اموال مردم (ذاریات / ۱۹) و تکلیف دولت و عموم مردم نسبت به دریافت زکات برای فقرا (توبه / ۱۰۳)؛ نه‌تنها توجیه‌پذیر که بدون تردید عین حق و عدل است.

بر این پایه بحث با مبانی و پایه‌های الگوی توزیع درآمد از منظر قرآن کریم دنبال می‌شود:

خدا مالک حقیقی همه هستی

یکی از زیرساخت‌های اولیه الگوی قرآنی توزیع درآمد، مالکیت حقیقی خدای متعال بر تمام هستی است. مالکیت حقیقی به‌معنای تسلط تکوینی موجودی بر موجود دیگر است. (درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۹۹) از دیدگاه قرآن کریم، مالکیت حقیقی که از آن به مالکیت تکوینی نیز یاد می‌شود، از آن خدای متعال است. به این معنا که خداوند به صورت تکوینی قدرت تصرف در تمام موجودات و هستی را دارد. (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۲ / ۵۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳ / ۳۷۶) قرآن کریم در آیات متعددی، مالکیت حقیقی خدای متعال را بر آسمان (مؤمنون / ۸۷)، زمین (اعراف / ۱۲۸)، آنچه در

آسمان و زمین و فضای میان آن دو قرار دارد (بقره / ۲۸۴؛ آل عمران / ۱۰۹؛ یونس / ۵۵؛ لقمان / ۲۶)، تمام موجودات آسمانی و زمینی، گنجینه‌های آسمان و زمین (منافقون / ۷) و مشرق و مغرب عالم (بقره / ۱۱۵ و ۱۴۲) به تصویر می‌کشد.

«الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فرقان / ۲) لام «له» در آیه شریفه و مشابه آن برای اختصاص است و مملوکیت آسمان و زمین برای خدا و وابستگی آنها از هر نظر به خدا را افاده می‌کند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۱۷۵) خدا حاکم مطلق آسمان و زمین است و خلقت، تقدیر و تدبیر فقط از آن او است. (همان: ۱۷۶) از این آیه معنای لغوی ملکیت که تسلط بر مملوک و مالکیت خدای متعال بر آسمان و زمین باشد، استفاده می‌شود.

مالکیت انسان نسبت به خود و افعالش در طول مالکیت خدای متعال قرار دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۵: ۳۲) و از این جهت که انسان، خود و یا عملش در پاره‌ای از مسائل دخیل است، موضوع پاره‌ای از احکام حقوقی قرار می‌گیرد. (گرچی، ۱۳۶۵: ۲۸ - ۱۰)

از نظر رابرت نوزیک، اموال و کالاها مانده‌هایی آسمانی نیستند که باید عادلانه میان افراد متقاضی تقسیم شوند؛ بلکه به کسانی تعلق دارند که آنها را به دست خویش ساخته یا از طریق مبادله به دست آورده و یا از طریق منابع طبیعی، به صورت اولیه تصاحب کرده‌اند. (ر.ک: واعظی، ۱۳۸۸: ۳۲۸) نوزیک ضمن رد نظریه‌های باز توزیع منابع و امکانات، نظریه عدالت سازگار با دولت حداقلی را با عنوان «نظریه استحقاق» عرضه کرده است. (ر.ک: همان: ۳۲۰ - ۲۱۹)

قرآن کریم این مبنا را نمی‌پذیرد و همه آنچه در آسمان و زمین است را ملک حقیقی خدای متعال، تحت اراده و در حیطة تصرف او معرفی می‌کند. «وَكُلُّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (آل عمران / ۱۰۹) همه هستی مخلوق و مملوک خدای متعال است. منظور از مالکیت خدا نسبت به همه هستی، این است که سلطنت تام حقیقی مختص اوست. او علت و غیر او معلول و همه در حدوث و بقا به او نیازمندند. اوست که به هر کس بخواهد حیات می‌دهد از هر کس بخواهد می‌گیرد. (توبه / ۱۱۶) برای هر کس بخواهد روزی را وسیع یا تنگ می‌کند (سبأ / ۳۶) کمی و زیادی رزق دست خدا است، که هر کسی به مقتضای حکمت و مصلحت از آن روزی داده می‌شود. نه کمی آن به معنای دور بودن از رحمت الهی است و نه زیادی آن به معنای تقرب به درگاه الهی است. پس زیادی مال هیچ دلالتی بر سعادت و کرامت نزد خدا ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۳۸۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۵ / ۲۰۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۸۶)

در شعاع مالکیت او، انسان‌ها نیز می‌توانند مالک تکوینی اعضاء و قوا و امور روانی خودشان

باشند. این دو مالکیت تکوینی در طول یکدیگر قرار دارند و هیچ‌کدام دیگری را نفی نمی‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۵: ۳۰) یعنی مالکیت انسان نسبت به قوا و اعضای او در طول مالکیت خدا است. (یونس / ۳۱)

معنای مالکیت خدای متعال نسبت به گوش و چشم، این است که خدای تعالی در حواس انسانی با تنظیم انواع لذتها از روزی‌های متفاوت تصرف می‌کند و انسان با آن حواس، تشخیص می‌دهد و میان مطلوب و نامطلوب با فعالیت گوش، چشم، قوه لامسه، ذائقه و شامه تفکیک می‌کند و لذت‌های متنوع و متفاوتی می‌برد و از رنج‌ها دوری می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۵۱) یعنی خدای متعال انسان را تکویناً بر اعضا و جوارحش تسلط داده است. این همان معنایی است که در آیه زیر به آن تصریح شده است:

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ. (ملک / ۲۳)
بگو: او کسی است که شما را پدید آورد و برای شما شنوایی و دیدگان و دل‌ها ای سوزان! قرار داد؛ چه اندک سپاسگزاری می‌کنید!

انسان نه تنها در آفرینش و هستی، مخلوق و مملوک خداست، بلکه اعمال او نیز در تملک خدای متعال قرار دارد. «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ؛ و حال آنکه خدا شما و آنچه را می‌سازید، آفریده است؟!» (صافات / ۹۶)

خدای متعال در این آیه خلقت را به اعمال انسان‌ها و یا مصنوع انسان‌ها هم نسبت داده است؛ زیرا آنچه انسان اراده می‌کند و بعد از اراده انجام می‌دهد، هرچند با اراده و اختیار خود انجام می‌دهد، به اراده خدای سبحان نیز هست؛ یعنی خدا خواسته است که انسان آن را بخواهد و به اختیار خود انجام دهد، و این نوع از اراده خدای تعالی باعث نمی‌شود که اراده انسان باطل و بی‌اثر مانده، در نتیجه عمل او یک عمل جبری و بی‌اختیار شود. بنابراین، خدا هم خالق ما است و هم خالق آثار و اعمال ما است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۱۵۰؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۵۱۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۷۹)

خلاصه اینکه همه هستی از جمله انسان و همه دارایی‌هایش مخلوق و ملک خدای متعال؛ یعنی تحت اراده و مشیت اوست، اگر او اراده کند باشند هستند و اگر او اراده کند نباشند نیستند. پس انسان امانت‌دار و مالک اعتباری دارایی‌ها و موهبت‌هایی است که خدا در اختیارش نهاده و بهره‌مندی‌اش از این نعمت‌ها باید در گستره حدود و مقررات الهی باشد. این نوع مالکیت، در طول مالکیت خدا و نه در عرض آن است. این مالکیت اعتباری در سه قلمرو مالکیت عمومی، دولتی و خصوصی رخ می‌نماید. بنابراین، اگر او برای مصلحت انسان دستوراتی صادر کند که منتهی به توازن در سطح زندگی و

درآمد شود، اجرایی شدن آنها عین عدل و حق خواهد بود. به همین دلیل، نخستین پایه و زیرساخت الگوی توزیع درآمد و ثروت مالکیت حقیقی یا اراده خدای متعال است.

هدایت مخلوقات و انسان به سمت کمال

یکی دیگر از زیرساخت‌های الگوی قرآنی توزیع درآمد، هدایت انسان به سوی کمال از جانب خدای متعال است. خالق و مدبر هستی جهت هدایت تکوینی او به سوی کمال، غرایز و انگیزه‌هایی در وجود او قرار داده است که او را به سمت رشد و شکوفایی هدایت و از این طریق بقای نفس و نسل او را تضمین می‌کند:

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى. (طه / ۵۰)

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی [در خور] او عطا کرده؛ سپس راهنمایی نموده است.

کلمه هدایت، رساندن به مطلوب است؛ خواه رساندن به خود مطلوب باشد و یا راهی را که به مطلوب می‌رسد به او نشان دهد. بنابراین، مقصود از هدایت، یک نوع هدایت عمومی است که در رتبه بعد از خلقت قرار داشته و همه اشیا را به سوی مطلوبشان هدایت می‌کند. مطلوب هر چیز، همان هدفی است که به خاطر آن خلق شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴ / ۱۶۶؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۳ / ۲۱۸؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۴ / ۲۳۳۸)

برخلاف نظریه‌پردازان عدالت بر مبنای نظام سرمایه‌داری، خدای کریم در هدایت بشر به هدایت تکوینی اکتفا نکرده، بلکه برای هدایت بشر، رسولان و انبیایی را همراه با کتب آسمانی برای هدایت تشریحی آنها ارسال فرموده است:

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلْتَأْتِيَ النَّاسَ عَلَى اللَّهِ حُجَّتُهُمْ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا. (نساء / ۱۶۵)

فرستادگانی که مژده‌آور و هشداردهنده بودند، تا بعد از این فرستادگان، برای مردم حجتی بر خدا نباشد و خدا شکست‌ناپذیر فرزانه است.

ارسال انبیای الهی با وجود عقل، نشان این است که عقل در مسیر هدایت الهی اگرچه لازم است، اما کافی نیست؛ به همین دلیل، خدای متعال پیامبرانی را فرستاده است تا حجت را بر مردم تمام کنند؛ یعنی آنچه را که عقلشان بر خوبی و بدی آنها حکم می‌کند به وسیله بیانات خود و برشمردن فواید دنیوی و اخروی نیکی‌ها و ضررهای دنیوی و اخروی بدی‌ها، حجت بر مردم تکمیل گردد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵ / ۱۴۱)

نتیجه اینکه هدایت الهی به دو قسم تکوینی و تشریحی است. هدایت تکوینی، هدایتی است که به امور تکوینی تعلق می‌گیرد، مانند اینکه خدا هر مخلوقی را به‌سوی کمال، هدف و سرنوشت مقدرش، راهنمایی فرموده و هدایت تشریحی، هدایتی است که به امور تشریحی تعلق می‌گیرد از قبیل اعتقادات حق و اعمال صالح که امر و نهی، بعث و زجر و ثواب و عقاب خداوند همه مربوط به آن است. هدایت تشریحی نیز دو گونه است: یکی از طریق ارشاد و راهنمایی به مطلوب و دیگری از طریق ایصال به مطلوب محقق می‌شود. (همان: ۷ / ۳۴۶ و ۲۰ / ۱۲۳)

خلیفه خاص خدا همراه با دستورالعمل و برنامه زندگی برای هدایت آحاد جامعه آمده است. از جمله برنامه‌های رسولان الهی به رسمیت شناختن انواع مالکیت؛ حرمت ربا، اسراف و کنز؛ تشویق به کار و فعالیت اقتصادی و عبادت شمردن آن؛ هماهنگی با هدایت تکوینی تشویق به تشکیل جامعه، اجرای عدالت، عدم تداول ثروت در دست اغنیا، زدودن فقر و جهت‌دهی سطح زندگی آحاد جامعه به سمت توازن است.

انسان خلیفه و جانشین خدا

بنابر مبنای جان لاک،^۱ عدالت، آزادی برخوردار از قانون طبیعی است که انسان‌ها را در استفاده از مواهب طبیعی تا آنجا که مانع آزادی همدیگر نشوند، آزاد گذاشته و ثمره تلاش هر فرد را متعلق به خود او دانسته است. (جان لاک، ۱۳۹۱: ۷۵) از منظر قرآن کریم انسان خلیفه و جانشین خدا در روی زمین (بقره / ۳۰) و اموال امانت در دست اوست.

مفسران با استفاده از قرائن و شواهد موجود در آیه ۳۰ سوره بقره یا با بهره‌گیری از سیاق و دلیل‌های عقلی و نقلی، جانشینی انسان نسبت به خدای متعال را استفاده کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۱۶؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۷۲؛ قرشی‌بنابی، ۱۳۷۵: ۱ / ۹۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۶؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۹) جانشینی انسان نسبت به خدای متعال عمومیت داشته و شامل تمامی فرزندان آدم در هر زمان و مکانی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۱۶؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۷۴؛ قرشی‌بنابی، ۱۳۷۵: ۱ / ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱ / ۸۰) خلیفه در امر خلافت و جانشینی، مظهر شئون وجودی، آثار و احکام «مستخلف» (خدای متعال) است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۱۵) این خلافت و جانشینی انسان از سوی خدای متعال همان امانتی است که در آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا...» (احزاب / ۷۲) تجلی یافته و از سوی انسان مورد پذیرش قرار

1. John Locke.

گرفته است. (صدر، بی تا: ۲۳۱)

یکی از مواردی که خدای علیم انسان را به عنوان خلیفه در معرض آزمون قرار می دهد، مواهب و امکاناتی است که به انسان داده است:

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ
 إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. (انعام / ۱۶۵)

و او کسی است که شما را جانشینان [در] زمین قرار داد و رتبه های برخی از شما را بر برخی [دیگر] برتری داد، تا شما را در [مورد] آنچه به شما داده، بیازماید؛ به راستی که پروردگارت زود کیفر است؛ و قطعاً او بسیار آمرزنده [و] مهربور است.

در این آیه، خدای متعال پس از آنکه به اهمیت مقام انسان و موقعیت او در جهان هستی اشاره و او را خلیفه الهی در زمین معرفی می کند، به اختلاف استعدادها و تفاوت مواهب جسمانی و روحی مردم اشاره کرده و هدف خود را آزمایش و امتحان الهی نسبت به آنها معرفی می کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶ / ۶۹)

عبارت «لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» در مقام تعلیل برای جعل خلافت و ترفیع گروهی بر گروهی دیگر است (طوسی، بی تا: ۴ / ۳۳۹) و از آنجا که «ما» (موصوله) اطلاق دارد، امتحان و اختیار الهی تمام آنچه که خدای متعال به انسان اعطا نموده است را شامل خواهد شد.

با استفاده از آیه «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور / ۳۳) فهمیده می شود که مال به عنوان یکی از نعمت های الهی است که به انسان عطا گردیده و مشمول آزمایش و امتحان الهی است. بنابراین، انسان به عنوان خلیفه الهی در مورد اموالی که خدا به او عطا نموده است، امتحان و آزمایش خواهد شد و لازم است براساس مقام خلافت در تحصیل و مصرف اموال غرض مستخلف، یعنی خدای متعال را تأمین نماید.

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد یکی از اهداف خدای متعال که از طریق پیامبران الهی دنبال می شود، زدودن فقر از چهره جامعه، اجرای عدالت، عدم تداول ثروت در دست اغنیا و جهت دهی سطح زندگی آحاد جامعه به سمت توازن است.

نعمت های الهی برای همه و امانت در دست مردم

یکی دیگر از زیرساخت های الگوی توزیع قرآنی ثروت و درآمد، این است که منابع طبیعی و ثروت های اولیه برای جامعه به مثابه کل و عموم مردم آفریده شده است. «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ و

زمین را برای آفریدگان نهاد» (الرحمن / ۱۰)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...؛ او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید...» (بقره / ۳۹) تقدیم کلمه «لکم» در آیه شریفه افاده حصر می‌کند؛ یعنی اینکه غرض اصلی از آفرینش موجودات، انتفاع بشر است، چنانچه مفاد بسیاری از آیات و اخبار است و ضمیر «کم» خطاب به جمیع افراد بشر است (قرشی‌بنابی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۹۲) بنابراین، یکی از اهداف آفرینش جهان مادی را می‌توان زمینه‌سازی برای آفرینش و زندگی انسان دانست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۷۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۶۲)

«وَمَا يَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ...؛ و آنچه شما از نعمت دارید، از خداست.» (نحل / ۵۳) همچنین می‌فرماید:

«وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید.» (نور / ۳۳)

بنابراین، امکانات عالم نعمت‌ها و موهبت‌های الهی هستند که در اختیار بشر قرار گرفته‌اند. اگر او دستور به انفاق دهد نسبت به بخشش مال خود دستور داده است. اگر گردش ثروت در دست عموم را مطالبه کرد، نمی‌توان گفت من با دانش خود کار کردم و دولت نمی‌تواند از من بگیرد و به فقرا بدهد. بنابراین، استدلال قارون که (با استدلال امثال کانت و هایک تطابق دارد): «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عُنْدِي؛ [قارون] گفت: آن [ثروت] فقط براساس دانشی که نزد من است به من داده شده است!»، استدلال درستی نیست.

خلاصه اینکه، الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم دیدگاه‌هایی مانند جان لاک و

نوزیک را برنمی‌تابد.

قبض و بسط روزی در مشیت الهی

خدای متعال از ظاهر و باطن همه آفریدگان و از نهان جان انسان‌ها آگاه است و بر رفتارهای آشکار و پنهان آنها ناظر است. او هم جهان هستی را آفریده و هم گردش آن را تدبیر می‌کند. این‌گونه آموزه‌ها با دئیسم که آفرینش جهان را آنی و لحظه‌ای می‌پندارد و آفریدگار جهان را همانند معمار بازنشسته دست بسته می‌داند که جهان و انسان را به حال خود رها ساخته تا بشر با رفتار بر طبق طبیعت خود راه سعادت را بییابد، به‌طور کامل متفاوت است.

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا. (اسراء / ۳۰)

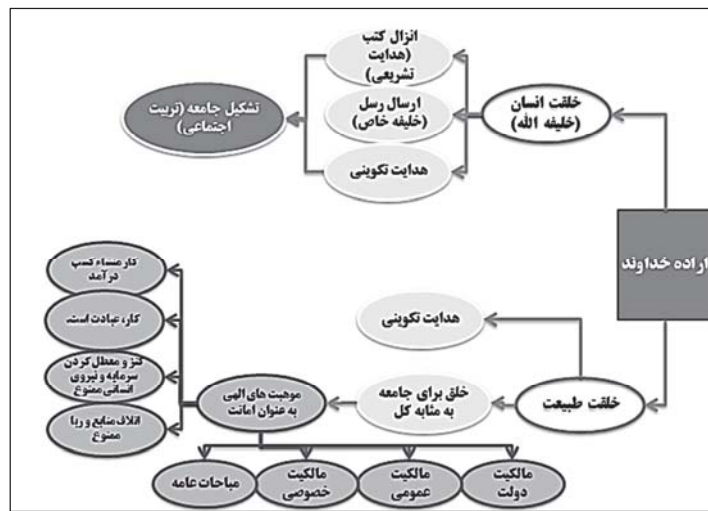
در حقیقت، پروردگارت روزی را برای هر کس که بخواهد [و شایسته بداند] گسترده می‌سازد و تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که او نسبت به بندگانش، آگاه [و] بیناست.

سنت الهی بر این است که تغییر و تحوّل‌ها، باید از درون صورت گیرد (رعد / ۱۱) از جمله دگرگونی‌هایی که در زندگی افراد و جوامع ممکن است پدید آید، تغییر در درآمد، ثروت و رفاه است. سنت خدا است که «مَنْ جَدَّ وَجَدَ؛ هر کس بکوشد، بیابد.» هر جامعه‌ای می‌تواند با تدبیر، کار و فعالیت، ثروتمند شده یا با سوء مدیریت و کم‌کاری به جامعه‌ای فقیر تبدیل شود.

خدای متعال زمینه کار و تلاش را برای انسان فراهم ساخته، نیازها و تمایل‌ها را در بشر پدید آورده و از طرفی به انسان، انگیزه و توانایی لازم داده است تا در تلاش برای کسب روزی باشد و بتواند نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کند و رفاه دنیایی و سعادت آخرتی خویش را به دست آورد. این روند معمول است؛ ولی اولاً با وجود همه این غرائز و انگیزه‌های درونی، علة العلل اوست و همه چیز رزق و عطای خدای متعال است. ثانیاً؛ جمله «مَنْ جَدَّ وَجَدَ»، قاعده‌ای همیشگی و کلی نیست. در جامعه فراوان مشاهده می‌شود که افراد یا اقوامی به هر دری می‌زنند، گشوده نمی‌شود. کلیت «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، بلافاصله با جمله «وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ و هنگامی که خدا برای قومی [به‌خاطر اعمالشان] بدی بخواهد، پس هیچ بازگشتی برای آن نخواهد بود و جز او، هیچ سرپرستی برای آنان نخواهد بود.» تخصیص داده شده است. ثالثاً؛ از بعضی آیات استفاده می‌شود که گسترش روزی بعضی و محدودیت روزی دیگران، معیاری برای ارزش فردی بر فرد دیگر یا یک فرد در زمانی در مقایسه با زمان دیگر نیست؛ همچنان که تنگی معیشت، دلیل بر خشم و غضب خدا نیست. خدای متعال گاهی انسان را به وسعت روزی، آزمایش می‌کند و اموال زیادی در اختیار او می‌گذارد، میزان مقاومت و پایمردی او را روشن می‌سازد و آنان را از این طریق پرورش می‌دهد. (ر.ک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰ / ۳۷۳)

آیات متعدّد حاکی از این است که خدای متعال به هر کس بخواهد، روزی می‌دهد یا به بعضی بیشتر و به برخی کم‌تر می‌دهد. آیاتی به بیان حکمت‌ها و مصالح این «بسط و تقدیر» پرداخته‌اند. بعضی آیه‌ها، فلسفه بخشش را «امهال» کافران معرفی می‌کند (توبه / ۵۵) و دسته‌ای بیان می‌کنند که خدا می‌خواهد به این وسیله، انسان را آزمایش (بقره / ۱۵۵) و تربیت کند؛ روح سخاوت، فداکاری و از خودگذشتگی را در انسان پرورش دهد. افزون بر این، اگر بسیاری از مردم در روزی‌شان گشایش شود، راه طغیان پیش می‌گیرند؛ بنابراین صلاح آنهاست که اندازه معینی روزی داشته باشند که نه باعث فقر و نه طغیان شود.

قرآن عواملی مانند ایمان، تقوا، شکر نعمت، استغفار، انفاق، مهلت دادن به کفار برای شدت بخشیدن به عذاب آنان در قیامت و سرانجام امتحان و آزمایش را اسباب گشایش در روزی و ناسپاسی، کفران نعمت، کفر و امتحان را عوامل تنگی روزی معرفی می‌کند.



نمودار (۱): زیرساخت الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم

چنان که نمودار فوق نشان می‌دهد، منشأ خلقت اراده الهی و مشیت خدای متعال است. جهان با همه نظام‌ها و سنت‌ها و علت‌ها و معلول‌هایش، کار خدا و زاییده اراده او است. هر فاعل و سببی، هم وجود خویش و هم فاعلیت‌ش را از خدای متعال دارد. اوست که آسمان و زمین و آنچه در اوست از جمله انسان (خلیفه خدا) و اعضا و جوارح او را آفریده و استمرار وجود مخلوقات مبتنی بر استمرار اراده و مشیت اوست. همه مخلوقات را به هدایت تکوینی برای بقای نفس و نسل هدایت فرموده و نسبت به اشرف مخلوقات؛ یعنی انسان ارسال رسل و انزال کتب کرده و با هر دو نوع هدایت به سمت تربیت اجتماعی سوق داده و تشکیل اجتماع را از او خواسته است. مخلوقات و ثروت‌های اولیه و منابع طبیعی را برای جامعه به‌مثابه کل خلق کرده و نسبت انسان به موهبت‌های الهی و ثروت یکی از وجوه چهارگانه؛ مباحات عامه، مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی و مالکیت دولت است. در ثروت‌های اولیه کار منشأ مالکیت است. ضمن اینکه نفس کار عبادت است و بر پایه هدایت تشریحی و تکوینی اتلاف منابع و ثروت ممنوع می‌باشد.

اهداف

خدای متعال از انجام دادن کارهای ناروا و بیهوده، پیراسته است. کار و آفرینش او در نهایت انسجام، اتقان، کمال، هدفمندی و هماهنگی با نظام احسن است و همه مصلحت‌های راستین را در بر دارد. هدف اصلی آفرینش انسان، قرب به خدا و منظور از بعثت پیامبران، هدایت انسان به کمال، حیات طیبه در دنیا و سعادت در سرای آخرت است. زندگی پاکیزه در گرو اتمام مکارم اخلاق، کمال روح در

پرتو تزکیه و تهذیب نفس، معنویت و عدالت است. رشد و پیشرفت، هم‌زمان با دستیابی به تعمیق ایمان، ارتقای تقوا، و معنویت و همراه با عدالت معنا دارد. متغیرهای؛ اخلاق و معنویت، عدالت، رشد و پیشرفت هم‌زمان، هماهنگ و هم‌افزا هستند.

الف) اخلاق و معنویت

خدای متعال، انسان و جهان را برای رسیدن به کمال آفریده است. هدف اصلی آفرینش انسان و بعثت پیامبران، اتمام مکارم اخلاق و قرب به خدا با «تزکیه و تهذیب نفس و هدایت الهی» است. بنابراین، برآورده شدن نیازهای مادی انسان باید زمینه‌ساز رشد و تکامل روح او، ترویج و گسترش اخلاق و معنویت در جامعه و در مسیر تقرب به خدا باشد. به همین دلیل، در تربیت اجتماعی وظیفه تربیت توحیدی را افزون بر خانواده بر دوش حاکمیت نیز گذاشته (حج / ۴۱) و مراقبت بر آن را از طریق امر به معروف و نهی از منکر و حفاظت از کیان اسلام از آحاد مسلمین مطالبه کرده است. عوامل معنوی همچون ایمان، تقوا، شکر نعمت، توکل، استغفار، انفاق و دعا، در فراوانی نعمت، افزایش بازدهی نقشی بسزا دارند. جامعه‌ای که ایمان آورد، تقوای الهی پیشه کند، به خدا توکل نماید و به معنویت رو کند، هیچگاه نومیدی به خود راه نمی‌دهد و ناملایمات و بحران‌ها او را از مسیر پیشرفت باز نمی‌دارد.

اسلام، همه اصول لازم برای سعادت انسان و نیز همه احکام شرعی در عرصه‌های فردی و اجتماعی را در سه گستره احکام اولی، ثانوی و حکومتی بیان کرده است. ارزش‌های اخلاقی اسلام نیز در چهار قلمرو ارتباط با خدا (اخلاق الهی)، با خود (اخلاق فردی) با جامعه (اخلاق اجتماعی)، و با جهان (اخلاق بین‌المللی) سامان یافته است.

ب) عدالت

عدالت اقتصادی یعنی ایجاد فرصت‌های برابر برای یکایک افراد در بهره‌مندی از امکانات موجود، پرداخت سهم عوامل تولید براساس میزان استحقاق و تامین نیازهای اساسی همگان برای برخورداری از زندگی شرافتمندانه و پیشگیری از دست به دست شدن ثروت میان توانگران به‌گونه‌ای که به فقر عمومی و شکاف عمیق طبقاتی نینجامد. (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۸۲) به دنبال تربیت توحیدی و اتمام مکارم اخلاق؛ معنویت ارتقا، ناسازگاری محدود و عدالت اجرا می‌شود. همچنان‌که، اجرای عدالت، سبب نزول برکات، رشد تولید و پیشرفت جامعه و بی‌نیازی مردم می‌شود.

ج) رشد و پیشرفت

همچنان‌که فعالیت اقتصادی برای تأمین نفقه همسر و فرزندان واجب است، کار و کوشش برای

تأمین واجبات نظامیه (کالاها و خدمات ضروری جامعه) و تأمین نیازهای شدید فقره‌ها به صورت واجب کفایی بر همه لازم می‌باشد؛ بنابراین، فعالیت تولیدی، انجام واجب و عبادت به‌شمار می‌رود. عمران و آبادانی، ثمره فعالیت و کوشش همگانی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی و خدماتی جامعه، برای استفاده بهینه و مسئولانه از نعمت‌های الهی است. رشد و پیشرفت، حرکتی پیوسته در چارچوب شرع، برای تحقق عمران و آبادانی با رعایت ارزش‌های الهی است. پیشرفتی مطلوب است که در کنار رشد مادی، تعالی معنوی و کرامت انسان را پاس دارد. از دیدگاه قرآن کریم، اگر تمام مظاهر جهان هستی از جمله منابع تولید و تجهیز منابع برای تولید بهینه در مسیر تقرب به خدای متعالی قرار گیرد، هویتی معنادار و ماندگار می‌یابد.

د) هم‌زمانی، هماهنگی و هم‌افزایی؛ معنویت، عدالت و رشد

در الگوی توزیع قرآن کریم، تربیت توحیدی عنصر اساسی الگوست. تربیت توحیدی است که حرکت جهادی را پدید و ارتقای بهره‌وری، رشد تولید و تکافل اجتماعی را به دنبال دارد. بنابراین، معنویت (تربیت توحیدی) به تکافل اجتماعی و توانمندسازی - درگیر کردن حداکثری نیروی انسانی در فرایند تولید که به نوبه خود با رشد همراه خواهد بود - می‌انجامد. در الگوی توزیع قرآنی اصل با رشد یا عدالت یا معنویت نیست، بلکه هر سه هدف با یکدیگر عجین، همزمان، هماهنگ و هم‌افزا هستند.

فروض و راهبردها

الف) منع اسراف و اتلاف منابع

پیش از این بیان شد که مبانی الگوی توزیع قرآنی بر جانشینی انسان و امانت بودن مال استوار است. بنابراین، از منظر قرآن کریم، انسان تنها حق بهره‌برداری درست و بهینه از امکانات را دارد؛ اتلاف منابع و استفاده نابجا از آن ممنوع است.

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. (فرقان / ۶۷)

و کسانی که هرگاه [اموال خود را در راه خدا] مصرف می‌کنند، زیاده‌روی نمی‌کنند و تنگ نمی‌گیرند و [انفاق آنان روشی] معتدل بین آن [دو] است.

ب) عامل تولید در اوج بهره‌وری

از دیدگاه قرآن کریم، ارزش‌های اعتقادی و رفتاری، مانند ایمان، تقوا، اعتقاد به مبدأ و معاد، استغفار، شکر نعمت، انفاق و عمل صالح، تأثیری مستقیم بر وفور نعمت، افزایش بازده و ارتقای بهره‌وری

عوامل تولید دارد. ایمان و تقوا نه تنها سرچشمهٔ برکات معنوی، بلکه سبب فزونی نعمت‌های مادی نیز می‌شود (ر.ک: رجایی، ۱۳۸۱: ۱۱۰) رعایت این ارزش‌ها اجابت دعاها، حل مشکلات زندگی و برکات آسمان و زمین و ارتقای بهره‌وری را به دنبال دارد.

قرآن از ایمان و تقوا (اعراف / ۹۶؛ مائده / ۶۶؛ طلاق / ۴ - ۲)، استقامت در راه اسلام (جن / ۱۶) استغفار و توبه (نوح / ۱۲ - ۱۰؛ هود / ۵۲)، شکر نعمت (ابراهیم / ۷) و انفاق (بقره / ۲۶۱) به‌عنوان عامل برکات مادی و معنوی یاد می‌کند. بنابراین، اعتقاد به مبدأ و معاد و راهبردهای اسلامی موجب می‌شود فعالیت اقتصادی عبادت محسوب و عامل تولید در اوج بهره‌وری قرار گیرد.

ج) تفاوت در رزق و عدم شکاف فاحش

دیدگاه سوسیالیست‌هایی مانند پرودن^۱ مبنی بر توزیع مساوی درآمد به صورت مطلق (بدون توجه به تفاوت استعدادها) و تعریف عدالت به: «شناسایی دیگران به‌عنوان افراد مساوی با خود ما.» (شارل ژید و شارل لیست، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۷۳) و اصل معروف مارکس مبنی بر «از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش» از منظر قرآن کریم مردود است. قرآن کریم گرچه تفاوت فاحش در درآمد و ثروت را بر نمی‌تابد، ولی قائل به تساوی نیست و تفاضل در درآمد و ثروت را می‌پذیرد.

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ، فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ. (نحل / ۷۱)

و خدا برخی از شما را در روزی، بر برخی [دیگر] برتری داد و [لی] کسانی که برتری داده شده‌اند، رزقشان را به آنچه [از بردگان] که آنان مالک‌اند، نمی‌دهند، پس آنان در آن یکسان شوند و آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند!؟

تفاوت در سطح زندگی، درآمد و ثروت در جامعه پذیرفته شده، ولی شکاف فاحش مردود است و جامعه به‌سوی هم سطحی در حرکت است.

ساختار و کانون توزیع

در الگوی توزیع قرآن کریم، منابع طبیعی و ثروت‌های اولیه یا در ملکیت و یا در اختیار دولت است. دولت بر پایه ولاء و ولایت، زمینه‌ساز و مسئول است. نسبت به تعمیق ایمان و تقوای جامعه و حاکمیت ارزش‌های الهی - که به توانمندسازی منتهی می‌شود - اجرای عدالت و زدودن فقر،

1. Proudhon.

فراهم‌سازی زیرساخت‌ها، تقنین، اجرای قانون و نظارت بر آن مسئولیت دارد. همچنان‌که خانواده بر پایه مودت و رحمت، و آحاد مسلمین بر پایه اخوت و برادری مسئول‌اند.

الف) خانواده کانون فعالیت اقتصادی

جامعه از عناصری به نام خانواده تشکیل شده است. ازدواج به‌طور فطری بر پایه مودت و رحمت (روم / ۲۱) شکل می‌گیرد. با ازدواج نفقه همسر بر دوش مرد قرار می‌گیرد (نساء / ۳۴؛ بقره / ۲۳۳) با فرزندآوری هزینه‌های فرزند و فرزندان فرزند نیز بر مرد واجب می‌شود. منظور از خانواده، خانواده گسترده است. بنابراین، نفقه پدر، مادر یا پدر بزرگ و مادربزرگ اگر فقیر باشند بر دوش فرزندان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۳۱۰) حتی زنان مطلقه، پس از طلاق به حال خود رها نشده و تا سر رسیدن عده، نفقه آنان بر عهده زوج است که مسکن و سایر نیازهای او را در حد عرفی تأمین کند. (طلاق / ۷ - ۶؛ بقره / ۲۲۸)

بنابراین، در تربیت اجتماعی بار مسئولیت نفقه عیال بر دوش سرپرست خانواده و خانواده با سرپرستی همسر پایه‌ای‌ترین نهاد اقتصادی می‌شود. خانواده عنصر اصلی تشکیل دهنده جامعه است. از آنجا که خانواده نمادی از جامعه است، اگر الگوی توزیع، تولید و مصرف خانواده اصلاح شود، الگوی اقتصاد جامعه مطلوب خواهد شد. البته نسبت به تربیت توحیدی (معنویت) و اشتغال سرپرست خانواده به مقدار کسب درآمد مکفی (عدالت و رشد) دولت و عموم مردم نیز مسئول‌اند.

ب) دولت، فراهم‌ساز زیرساخت‌ها، هدایت و نظارت

از نظر رابرت نوزیک فیلسوف سیاسی آمریکایی (۲۰۰۲ م) واگذاری نقش توزیع عدالت اجتماعی به دولت، به هر بهانه‌ای، در تضاد کامل با این حقوق طبیعی و اساسی قرار دارد. (ر.ک: واعظی، ۱۳۸۸: ۳۲۴ - ۳۲۲) او تأکید کرده است دولت فراتر از دولت حداقلی، توجیه‌پذیر نیست و نظریه‌پردازی به اسم عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی برای وسعت بخشیدن به حیطه اختیارات دولت و محدود کردن آزادی‌ها و حقوق مالکیت فردی، مردود و دفاع‌ناپذیر است.

قرآن کریم دیدگاه فوق را بر نمی‌تابد و نه تنها دولت را نسبت به فقرا و محرومین مسئول می‌داند

(حج / ۴۱) که مأموریت نبی مکرم اسلام را برقراری عدل معرفی می‌کند. (شوری / ۱۵)

مسئولیت جمع‌آوری زکات و جلوگیری از عدم تداول ثروت بین ثروتمندان از جمله مسئولیت‌هایی است که برعهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به‌عنوان حاکم اسلامی گذاشته شده است (توبه / ۱۰۳) شریعت الهی بر توزیع و اختصاص موهبت‌های الهی (برای حفظ مصالح فرد و جامعه) ضابطه دارد. خلیفه

خاص خدا (دولت اسلامی) بر توزیع منابع طبیعی و اجرا شریعت مسئولیت و نظارت دارد.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
وَأَيْنَ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ... (حشر / ۷)

آنچه از [غنائیم] اهل آبادی‌ها که خدا به فرستاده‌اش بازگردانده است، پس فقط برای خدا و برای فرستاده [اش] و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه مانده است، تا [ثروت‌ها] در میان توانگران شما [دست به دست] نگردد ...

خدای متعال پس از آنکه از ابراهیم، لوط، اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام نام می‌برد، می‌فرماید: «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] رهنمون می‌شوند و انجام نیکی‌ها و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم.» (انبیاء / ۷۳) و درباره حضرت اسماعیل علیهم‌السلام نیز می‌فرماید: «همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و در نزد پروردگارش مورد رضایت بود.» (مریم / ۵۵)

دولت نسبت به جامعه و عموم مردم؛ سرپرست خانواده نسبت به اعضاء آن و آحاد مسلمین نسبت به یکدیگر، نسبت به تربیت توحیدی (معنویت) تولید کالاهای ضروری و تأمین واجبات نظامیه (رشد) و تکافل اجتماعی (عدالت) مسئولیت دارند.

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین موارد در فرایند تولید، دسترسی به عوامل و منابع طبیعی و نیز اطلاعات اقتصادی است. دولت اسلامی باید با برنامه‌ریزی کلان و نظارت، مانع تبعیض در بخش توزیع امکانات، فرصت‌ها، اطلاعات و منابع طبیعی شود. (خاندوزی، مجله اقتصاد اسلامی، ۱۳ / ۳۵)

ج) آحاد مردم یاور دولت و خانواده

مناسب است انسان پس از به دست آوردن ثروت از راه حلال، به شکرانه نعمتی که خدا به او داده است به خلق خدا نیکی کند، «وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ (قصص / ۷۷) و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده، [به مردم] نیکی کن.» ثروتش را در راه فساد و تباهی به کار نگیرد، «وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَأَبْغَىٰ الْمُفْسِدِينَ؛ (قصص / ۷۷) و در زمین فساد نجوی؛ [چرا] که خدا فسادگران را دوست ندارد».

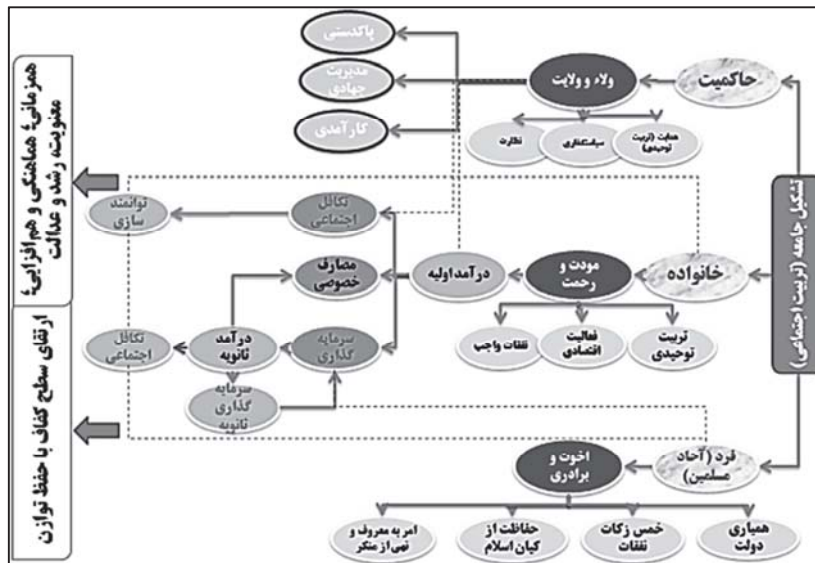
عموم مردم در برابر فقیران مسئولیت ویژه دارند. برای آنان یگانه راه پیمودن مسیر تکامل، رسیدگی به یتیمان و اطعام مسکینان است؛ چراکه از نظر قرآن، اهتمام به امور فقیران و تلاش در جهت فقرزدایی آن قدر مهم است که از آن به عبور از «عقبه» یاد شده (بلد / ۱۶ - ۱۱) عقبه به گردن‌های گفته می‌شود که عبور از آن دشوار و معمولاً یگانه مسیر عبور و مرور است.

آیات بسیاری اهمیت انفاق را بیان، آن را همراه نماز (بقره / ۴۳؛ نور / ۵۶) ذکر و از اوصاف پرهیزکاران (بقره / ۱۷۷)، مؤمنان (مؤمنون، ۴) و نیکوکاران (لقمان / ۴ - ۳) برشمرده و به آن سفارش کرده‌اند. همچنین درباره لزوم رعایت فقرا سفارش شده است. (بقره / ۸۰)

د) مشارکت همگانی در سرمایه‌گذاری و تکافل اجتماعی

جامعه اسلامی مرتب در حال رشد و شکوفایی است. به‌طور طبیعی نیازمندی‌های ضروری جامعه نیز رشد می‌کند. کالاها و خدماتی که نظام جامعه به آنها محتاج است و اگر اختلال یا کمبودی در آنها پدید آید نظام جامعه مختل می‌شود. تولید این نوع کالاها و خدمات (واجبات نظامیه) واجب کفایی است (فانی اصفهانی، ۱۴۰۱: ۲ / ۲۹) وزن تولید کالاها و خدمات ضروری جامعه به قدری بالاست که بعضی از فقها نسبت به دریافت دستمزد برای انجام این نوع خدمات تردید کرده و معتقدند دولت اسلامی بایستی پرداخت دستمزد برای انجام اموری مانند امور بهداشت و درمان و آموزش عمومی را برعهده بگیرد. (ر.ک: مصباح‌یزدی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

ثمره این مشارکت عمومی و هدایت و نظارت دولت، اعتقاد به مبدأ و معاد، عمل به تکلیف و رعایت اخلاق اسلامی، موجب کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری مؤسسه‌های تولیدی می‌شود که افزایش کارایی را به دنبال دارد.



نمودار (۲): فرایند کسب و توزیع درآمد و رسیدن به اهداف در الگوی سه ضلعی (خانواده، دولت و آحاد مسلمین)

نتیجه

در ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری، از دیدگاه کاملاً افراطی و منفی هابیک به عدالت توزیعی تا نظریه جان رولز، همه دیدگاه‌ها گرچه با نگاه‌های متفاوت، به الگوی توزیعی منتهی می‌شوند که به نحوی بر قانون طبیعی، مطلوبیت‌گرایی و آزادی مبتنی هستند و نتیجه آنها دفاع از نظام بازار آزاد، دولت حداقلی و لیبرالیسم غربی است. بیشتر مبانی این نظریه‌ها در تطابق با مبانی قرآنی هماهنگ نبوده همچنان که در فرایند حرکت از مبانی به سمت راهبرد و راهکار و رسیدن به اهداف جای تأمل دارند.

الگو نقشه جامعی است که ارتباطات اساسی بین مؤلفه‌ها را نشان داده و تصویر کلان را برای ما روشن می‌سازد. الگوی قرآنی توزیع، به مجموعه نظام‌مندی از زیرساخت‌ها، اهداف، راهبردها و نهادها و ساختارهایی گفته می‌شود که در ساختاری منطقی، نقشه جامع و منسجمی را نسبت به توزیع درآمد و ثروت اعم از درآمد و ثروت، اولیه و ثانویه، مبتنی بر قرآن کریم ارائه می‌کند.

بر این پایه، می‌توان گفت مؤلفه‌های الگوی توزیع درآمد و ثروت در قرآن عبارتند از: زیرساخت‌ها یا مبانی قرآنی توزیع درآمد و ثروت؛ یعنی گزاره‌هایی که نوع نگرش قرآن را نسبت به خدا، جهان، انسان، ارزش‌ها و مال و ثروت با زاویه مربوط به تقسیم و توزیع درآمد و ثروت بیان می‌کند که می‌توان از آنها با عنوان فلسفه توزیع درآمد و ثروت در قرآن نیز یاد کرد. اهداف توزیع قرآن که اغراض و مقاصد توزیع درآمد و ثروت را تشکیل می‌دهند. فروض و راهبردهای توزیع درآمد و ثروت قرآنی؛ که عبارتند از گزاره‌های هنجاری استنتاج شده از مبانی توزیع و آموزه‌های قرآنی که چارچوب و قواعد کلان توزیع را تبیین می‌کنند و نهادها و ساختار الگوی توزیع؛ یعنی خانواده، دولت و عموم مسلمین.

نمودار زیر الگوی توزیع درآمد و ثروت، متغیرهای مربوطه و ارتباط میان آنها را به ترسیم‌کننده است. این الگو که از اراده خدای متعال (مالکیت حقیقی او) آغاز می‌شود؛ بر پایه هدایت تکوینی و تشریحی، انسان به تربیت اجتماعی جهت‌دهی می‌شود. گرچه به دلایل فطری و کارآیی عنصر اصلی جامعه خانواده است، ولی هر سه ضلع: خانواده گسترده، آحاد مسلمین و حاکمیت، نسبت به تربیت توحیدی (معنویت) سرمایه‌گذاری (رشد) و توانمندسازی (عدالت) تکلیف دارند. در این الگو، این سه هدف نه‌تنها تعارض ندارند که هم‌زمان، هماهنگ و هم‌افزا هستند.

- رجایی، سید محمد کاظم، ۱۳۸۱، *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن کریم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رجایی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۳، *درآمدی بر مفهوم و شاخص‌های عدالت اقتصادی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سید قطب، ۱۴۲۵ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- شارل ژید و شارل لیست، ۱۳۸۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، کریم سنجابی، تهران، دانشگاه تهران.
- صاحب فصول، مرتضی، ۱۳۸۲، *شکاف طبقاتی، توزیع مجدد ثروت و رهیافت‌های قرآنی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۹۰، *الاسلام یقود الحیات*، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۹۹ ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف.
- صدر، سید محمدباقر، بی تا، *المدرسة القرآنیة*، بیروت، دارالتعارف.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، *التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم*، اردن، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، سمت و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عوضلو، حسن، ۱۳۸۴، *عدالت و کارایی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- عوضلو، حسن، ۱۳۸۶، *شاخص‌های عدالت اقتصادی*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فارابی، محمد بن محمد، ۱۳۶۴، *فصول منتزعة*، ۷۳ - ۷۱، تهران، مکتبه الزهراء علیها السلام.
- فانی اصفهانی، علی، ۱۴۰۱ ق، *آراء حول مبحث الألفاظ فی علم الأصول*، قم، مظاهری.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵، *تفسیر أحسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعث.
- لاک، جان، ۱۳۹۱، *رساله‌ای درباره حکومت*، ترجمه حمید عضدانلو، تهران، نشر نی.

- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۵، *جزوه معارف اقتصادی قرآن*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، صدرا، چ ۱۱.
- مطهری، مرتضی، *عدل الهی، مجموعه آثار*، قم، نرم‌افزار نور.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- واعظی، محمود، ۱۳۸۸، *تقد و بررسی نظریه‌های عدالت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

ب) مقاله‌ها

- رجایی، سید محمد کاظم و مهدی خطیبی، ۱۳۹۶، «روش استنباط نظریه اقتصادی از کتاب و سنت»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۷، ص ۴۶ - ۲۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- عوضلو، حسن، ۱۳۸۱، «نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی»، *پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۲۴، ص ۱۱۳ - ۸۵، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۵، «مالکیت در اسلام»، *تحقیقات اسلامی*، شماره ۱، ص ۲۸ - ۱۰، تهران، میرسلیم.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۹، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی»، *کتاب نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ص ۷۲ - ۵۹، تهران، پیام عدالت.

